

توضیح مترجم

متن حاضر، ترجمه‌ای از تزه‌های بوردیگا که از یکی از نشریات جریان کمونیست بین‌المللی به فارسی برگردانده شده است. با توجه به ترجمه اخیر تزه‌های کنگره انترناسیونال در باره پارلمانتاریسم، برگردان تزه‌های آمانو بوردیگا بصورتی که در درون چپ ایتالیا طرح گردید را خالی از فایده نیافتیم. توضیح این نکته نیز ضروری است که، اقدام به ترجمه این متن به پیشنهاد تشکیلات کارگران انترناسیونالیست و توسط اینجانب صورت گرفته و در جریان کمونیست بین‌الملل همکاری یا مسئولیتی در این رابطه نداشته است.

سام میکائیلیان – تابستان 2004

تزه‌هایی درباره پارلمانتاریسم

(فراکسیون کمونیستی تحریم گرایان، فراکسیونی که از رای دادن خودداری ورزید، در حزب سوسیالیست ایتالیا)

ما در اینجا تزه‌هایی درباره پارلمانتاریسم را انتشار می‌دهیم که توسط بوردیگا در کنگره دوم انترناسیونال کمونیستی در سال ۱۹۲۰ معرفی گردید. در پشت این تزه‌ها فراکسیون تحریم کننده در حزب سوسیالیست ایتالیا قرار دارد. مسئله بااهمیت در این رابطه موضع گیری روشن این تزه‌ها در مقابل «پارلمانتاریسم انقلابی» انترناسیونال کمونیستی است و متد مارکسیستی که در آن بکار رفته است. این تزه‌ها امروز نیز همچنان معتبرند. با این وجود دو چیز را در این تزه‌ها می‌خواهیم مورد انتقاد قرار دهیم. بخش‌ها ایده دولت کارگری را که ما معتقدیم اشتباه است. بر این اساس که میان پرولتاریا به عنوان طبقه انقلابی که هدف اش انحلال کلیه طبقات است و دولت که کارکرد کنسرواتو حفظ وضع موجود را داراست، یا به عبارت دیگری حفظ روابط طبقاتی موجود را، تضاد وجود دارد. این مسئله درباره دولت دوره گذار نیز صدق میکند که ناگزیرا برویرانیهای جامعه کهن بنا خواهد شد، دولتی که نباید با دیکتاتوری پرولتاریا در هم آمیخته شود. این یکی از تجربیات انقلاب روسیه است (نگاه کنید به جزوه ما «دوره گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، محور دولت در تئوری مارکسیستی»).

ناروشنی دوم در تزه‌ها مربوط به بند ۶ است که در پایان آن، از امکان انقلابات بورژوایی، امکان تبدیل آنها به انقلاب کارگری و اینکه در چنین شرایطی میتوان با بکاربردن پارلمان به این امریاری رساند، سخن میگوید. این ناروشنی‌ها باید با آن دوره، اینکه عصر جدید جنگ و انقلاب تازه بود و کلیه نتیجه گیریها درباره تغییرات در ملزومات مبارزه طبقه کارگر هنوز بدست داده نشده بود (اینجا چپ آلمان با روزا لوگزامبورگ درباره مسئله ملی دقیق تر بود)، اینکه تجربیات بلاواسطه انقلاب روسیه و ناروشنی‌هایی که در این زمان درباره «انقلاب مداوم» وجود داشت، و اینکه انقلاب فوریه میخواست انقلاب بورژوایی را نمایندگی کند و انقلاب اکتبر انقلاب سوسیالیستی را، توضیح داده شود. اما این انتقاد به هیچ وجه از اهمیت این تزه‌ها نمی‌کاهد. این تزه‌ها یکی از روشنترین دیدگاههای آندوره درباره پارلمانتاریسم است.

۱. پارلمانتاریسم شکل نمایندگی سیاسی مختص نظام سرمایه داری است. تا آنجا که به پرنسپب برمیگردد، کمونیستهای مارکسیست در نقد خود از پارلمانتاریسم، و دمکراسی بورژوایی بطور عموم، نشان میدهند، حق رای برای انتخاب ارگانهای نمایندگی دولت که به همه شهروندان در کلیه طبقات اجتماعی اعطا شده است، کارکرد کل ماشین دولتی

حکومت را، به عنوان مدافع طبقه مسلط سرمایه، سلب نمیکند، حتی مانع از آن نیز نمیشود که تا دولت، به مثابه یک ابزار تاریخی طبقه سرمایه دار در مبارزه بر علیه انقلاب کارگری، خود را سازمان دهد.

۲. کمونیستها بطور قاطع امکان پیروزی پرولتاریا از طریق کسب اکثریت در پارلمان، بجای تسخیر قدرت از کانال مبارزه مسلحانه انقلابی را طرد میکنند. بدست گرفتن قدرت سیاسی توسط پرولتاریا، که نقطه آغاز کار ساختن یک اقتصاد کمونیستی است، به معنی برچیدن فوری و خشن ارگانهای دمکراتیک است که با ارگانهای قدرت کارگری، شوراها، جایگزین خواهد شد. بدین شکل با محروم شدن طبقه استثمارگر از حقوق سیاسی، یعنی سیستم نمایندگی (پارلماناریستی) و حکومت طبقاتی، دیکتاتوری پرولتاریا اجرا خواهد شد. به همین جهت برچیدن پارلماناریسم یک هدف تاریخی جنبش کمونیستی است. بعلاوه قبل از مالکیت سرمایه داری و حتی قبل از برچیدن دستگاه دولتی حکومت و بوروکراسی آن، این دمکراسی نمایندگی که اولین فرم جامعه بورژوازی است میبایست برچیده شود.

۳. این مسئله درباره نهادهای منطقه ای و یا شهری (دستگاه شهرداری) طبقه سرمایه دار که بدروغ به عنوان اپوزیسیون تشکیلات دولت پنداشته میشود نیز صدق میکند. در اصل ماهیت این دستگاهها و دستگاه دولتی طبقه سرمایه دار یکی است. اینها نیز میبایست توسط شوراها محلی نمایندگان کارگری برچیده شوند.

۴. در حالی که دستگاههای انحصاری، نظامی و امنیتی دولت بورژوازی عملیات مستقیم را بر علیه انقلاب کارگری سازماندهی میکند، دمکراسی نمایندگی ابزار دفاع غیرمستقیمی را تشکیل میدهد که از طریق انتشار توهم در میان توده ها، که رهایی شان از طریق یک پروسه صلح آمیز امکانپذیر است و اینکه فرم دولت کارگری نیر میتواند بر پایه پارلماناریسم با حق نمایندگی اقلیت بورژوازی استوار گردد، فعالیت میکند. نتیجه این نفوذ دمکراتیک بر توده های کارگر فاسد شدن جنبش سوسیالیستی انترناسیونال دوم چه در عرصه تئوریک و چه در عرصه پراتیک بوده است.

۵. وظیفه کمونیستها در شرایط کنونی و در فعالیت برای تدارک مادی و ایدئولوژیک انقلاب این است که، پرولتاریا را پیش از همه از توهامات و پیشداوریهایی که بوسیله خیانت رهبران قدیمی سوسیال دمکرات در میان توده ها و برای منحرف کردن پرولتاریا از راه تاریخی اش پخش میشود، رها سازد. این کار در کشورهایی که در آن رژیمهای دمکراتیک به مدت طولانی حاکم و این مسئله تبدیل به عادت و طرز فکر تودهها گشته و در اعماق بینش احزاب سنتی سوسیال دمکراسی نفوذ کرده است از اهمیت بزرگی برخوردار است و جزو مهمترین مشکلات تدارک انقلاب است.

۶. امکان پروپاگاندا، آژیتاسیون و نقد از طریق شرکت در انتخابات و فعالیت پارلماناریستی، در دوره ای که در جنبش انترناسیونالیستی کارگری امکان بدست گرفتن قدرت در آینده ای نزدیک متصور نبود و زمانی که هنوز مسئله تدارک مستقیم برای واقعیت بخشیدن به دیکتاتوری پرولتاریا طرح نشده بود، میتوانست وجود داشته باشد. و از سوی دیگر در کشوری که انقلاب بورژوازی مراحل تکاملی خود را میگذراند و نهادهای جدیدی را بوجود میآورد، دخالت کمونیستی در ارگانهای نمایندگی میتواند این احتمال را بوجود آورد که با اعمال نفوذ بر سیر وقایع، انقلاب به پیروزی برای پرولتاریا ختم شود.

۷. دوره تاریخی کنونی، با جنگ جهانی و نتایج آن برای نظم اجتماعی بورژوازی، با انقلاب روسیه که برای اولین بار تصرف قدرت توسط پرولتاریا تحقق یافت و با تشکیل یک انترناسیونال جدید در مقابل خیانتکاران سوسیال دمکرات، گشایش یافت. در عصر تاریخی کنونی و در کشورهایی که در آنها رژیم های دمکراتیک در گذشته دور شکل گرفتند هیچ امکانی برای استفاده از پارلماناریسم برای کار انقلابی کمونیستی وجود ندارد، شفافیت در پروپاگاندا و به همان اندازه تدارک موثر در مبارزه نهایی برای دیکتاتوری پرولتاریا طلب میکند تا کمونیستها آژیتاسیون برای بایکوت انتخابات از سوی کارگران را، در پیش گیرند.

۸. تحت شرایط تاریخی ای که، مسئله اصلی جنبش، کسب انقلابی قدرت است، میبایست کلیه فعالیت‌های سیاسی حزب طبقه به این هدف مستقیم معطوف گردد. ضروری است تا این دروغ بورژوازی را که هر درگیری میان احزاب سیاسی مخالف و هر مبارزه ای برای قدرت، ضرورتاً در چهارچوب قوانین بازی دموکراتیک یعنی انتخابات و مناظرات پارلمانتاریستی جای میگیرد، درهم شکست. ما نمیتوانیم این دروغ را درهم بکوبیم بدون آنکه با متدهای سنتی ای مرزبندی کنیم که، کارگران را فرامیخواند تا دوشادوش اعضاء طبقه سرمایه دار در انتخابات رای دهند و سرانجام در شرایطی قرار گیرند که در آن هیئت های نمایندگی پرولتاریا بر همان پایه پارلمانتاریستی ظاهر شوند که هیئت های استعمارکنندگانشان ظاهر میشوند.

۹. این ایده خطرناک که، کلیه اقدامات سیاسی، متشکل از انتخابات و فعالیت‌های پارلمانتاریستی است، به شکل وسیعی با پراتیک اولتراپارلمانتاریستی احزاب سنتی سوسیالیستی، گسترش یافته است. از سوی دیگر بی میلی پرولتاریا نسبت به این پراتیک خیانتکارانه زمینه مناسبی را برای اشتباهات سندیکالیستی و آنارشویستی که هرگونه ارزشی را در اقدامات پارلمانتاریستی و نقش حزب نفی میکنند، فراهم آورده است. به این دلیل احزاب کمونیست در پروپاگاندای خود، تا آنجا که به راه انقلابی مارکسیسم برمبگردد، هرگز به پیشرویهای بزرگ دست نخواهند یافت اگر به مثابه یک پایه درکار برای دیکتاتوری پرولتاریا و شوراها ی کارگری کلیه باندهای اتصال با دستگاه دموکراتیک بورژوازی قطع نشوند.

۱۰. با وجود کلیه بیانات رسمی و اظهارات تنوریک، اهمیت بسیاری که در پراتیک به کمپینهای انتخاباتی و نتایج اش داده میشود، و این حقیقت که، به همین دلیل، حزب باید بمدت طولانی کلیه وسائل و منابع خود، عناصر انقلابی، انتشارات و همچنین امکانات مالی را صرف این مسئله نماید، به تقویت این احساس یاری میرساند که گویا این آن فعالیت حقیقی و مرکزی حزب برای رسیدن به هدف کمونیسم است. از سوی دیگر این مسئله به کنار گذاشتن کامل کار انقلابی و سازماندهی آن منتهی میشود. و به تشکیلات حزبی کاراکتر فنی میبخشد که کاملاً برخلاف نیازهای کار انقلابی چه به شکل علنی و غیر علنی است.

۱۱. برای احزابی که با قعطنامه اکثریت به انترناسیونال سوم پیوستند، تن دادن به ادامه فعالیت‌های انتخاباتی، ضرورت پالایش از عناصر سوسیال دموکرات را با مانع روبرو خواهد ساخت. مسئله ای که بدون آن انترناسیونال سوم در ایفای نقش تاریخی اش موفق نخواهد شد. و بدین ترتیب انترناسیونال سوم دیگر نخواهد توانست به مثابه یک ارتش یکپارچه و با ادیسیبلین برای انقلاب جهانی باقی بماند.

۱۲. ماهیت مباحثاتی که صحنه شان پارلمان و سایر ارگانهای دموکراتیک است، هر فرصتی را برای گذر از، نقد سیاست احزاب مقابل، به پروپاگاندا بر علیه خود اصول پارلمانتاریستی و حرکتی که از قوانین پارلمانتاریستی فراتر رود، غیر ممکن میسازد. دقیقاً همانگونه که داشتن این حق را، که بگوئیم ما هیچیک از تشریفات مرسوم فرایند انتخابات را نمیپذیریم، امکانپذیر نیست. پیشروی در هنرشمشیربازی پارلمانتاریستی همواره به مهارت در بکارگیری سلاح مشترکی از پرنسبیهایی را که نهادها بر آن بنا شده اند و در، بکارگرفتن شعبده بازیهای فرایند پارلمانتاریستی، بستگی دارد - دقیقاً همانطور که پیشروی در کمپین انتخاباتی همواره تنها از روی تعداد رای ها یا تعداد کرسی های بدست آمده تعیین میشود.

هرگونه تلاشی از سوی احزاب کمونیست که بخواهد به پراتیک پارلمانتاریستی کاراکتر کاملاً دیگری ببخشد، با همه انرژی که در این کار عبث و بیهوده مصرف میشود، با عدم موفقیت مواجه خواهد شد. این در شرایطی است که مسئله انقلاب کمونیستی به این انرژی در قلمرو حمله مستقیم به نظام استعمار سرمایه داری نیاز فوری دارد.